

باسمه تعالی

نام درس: راهبردهای تدریس آموزش زبان و ادبیات
فارسی

نام استاد: دکتر اختیار بخشی

وضعیت درس: عملی

تعداد واحد درس: ۱ واحد

رشته: آموزش زبان و ادبیات فارسی

ورودی: ۱۳۹۷

تعداد دانشجو: ۱۰ نفر

دانشگاه فرهنگیان - پردیس علامه طباطبائی اردبیل

جلسه: سه شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۹

و چهارشنبه ۳ اردیبهشت

روشهای فعال تدریس

تدریس به روش فعال

(فراگیر محوری)

مقدمه

برای بهینه سازی سیستم آموزشی در ایران یکی از شیوه های موثر شیوه ی فراگیر محوری است که خود یکی از زیر مجموعه های فرایند ارزش محوری است که رویکرد تدریس تیمی نیز نامیده می شود. مزایای استفاده از این شیوه توجه به ارزشهای انسانی، افزایش آگاهی شخص از خود، فهم دیگران، اهمیت توجه به احساسات و عواطف انسانی می باشد. همکارانی که این روش را در کلاس های خود بکار برده اند عملاً موفقیت خود را مشاهده کرده اند.

به امید این که مقاله ی حاضر ما را در این امر یاری دهد. در تألیف این مقاله از منبع زیر استفاده شده است:

هنر تدریس به روش فراگیر محوری، دونا براندز و پال گینیس، ترجمه سعید کتابی و محمد کاوش نیا، ویراستار: مرتضی ثابت قدم، اصفهان: انتشارات فرهنگ مردم، ، ۱۳۸۵، چاپ اول.

پایه گذار روش فراگیر محور، کارل راجرز بود. سقراط این روش را پرسش و پاسخ می نامید روش تجربی، التقاطی، نظارتی فعال، مشارکی نامهای دیگر این فرایند است که هدفش فاصله گرفتن از روش تدریس سنتی (معلم محور) و رسیدن به روش فراگیر محوری است.

در شیوه های سنتی، توجه بر انتقال دانش و مهارت از معلم به فراگیر بود و اختیار و تصمیم گیری و اجرای آن هم به طور کامل در دست معلم می باشد. بنابراین روند آموزش روندی انفعالی و غیر فعال خواهد بود. اطاعت پاداش و تنبیه بر رابطه ی معلم و شاگرد حکمفرماست و عدم اعتماد، تضاد، تناقض و حتی ترس، بخشی از پیکره ی

نظام آموزشی سنتی می باشد. در این مقاله ما محاسن روش فعال و معایب روش سنتی را فرا روی شما قرار می دهیم تا به عنوان یک معلم دلسوز بتوانید در راستای آن حرکت کرده و به جای آن که کتاب درسی را قرارداد بین خود و دانش آموز بدانیم و هدف ما تمام کردن مطالب کتاب و گنجاندن هر چه بیشتر محفوظات و مطالب در ذهن دانش آموز باشد، به شیوه ای کاملاً راحت تر، خود دانش آموز را تشویق کنیم تا با تفکر و اعتماد به نفس راه را بپیماید و بجای این که بعد از امتحان تمام مطالب را به فراموشی بسپارد حداقل چند تغییر اساسی در طول سال در روش مطالعه ی او داده باشیم.

البته در این مقاله هدف این نیست که این شیوه ی بسیار مفید و موثر را کاملاً جایگزین شیوه های مأنوس سنتی کنیم بلکه ما راهها و فعالیت های و ایده ها را فرا روی شما قرار می دهیم تا به فراخور مطالب درس یا حجم و ظرفیت کلاس ها، گاهی به قلمروهای جدید آموزش سری بزنید و بدانیم که اگر بتوانیم از روشهای کهن گامی فراتر نهیم می توانیم ادعا کنیم که به پیشرفت و روش تدریس موفق، علاقمند هستیم.

نکته مهم این ست که تغییر یک شبه رخ نمی دهد. ممکن است مدتی طول بکشد تا معلم و شاگردان چگونگی کار را فراگیرند ولی همین که یک گام از عادات خود بالاتر گذاشته ایم ان شاء...فایده آن را به مرور خواهیم دید. در بخش اول این مقاله اصول آموزش فراگیر محوری را تشریح کرده و آن را با راهکارهای سنتی مقایسه نموده ایم خاطر نشان سازیم که این روش تاریخچه ی بسیار طولانی در جهان پیشرفته دارد و کاملاً پذیرفته شده و کارآمد است. هر چند که در سرزمین ما هنوز حتی دوره های آموزشی این روش برای معلمان در نظر گرفته نشده است.

در بخش دوم برخی از مهارتهای کار گروهی را در سطح مقدماتی در کلاس مطرح می کنیم و هدف فقط شناساندن تأثیر عمیق محصول کار گروهی است. در بخش سوم

تمریناتی که تا حدودی بتواند زمینه های برای مشارکت فراگیران فراهم نماید بیان می گردد.

در پایان فرض، بر این است که هر همکار بتواند حتی الامکان ابزارهای لازم برای هرگونه تغییر را فراهم نماید و با دیدی مثبت و غیر مشروط این پدیده را بپذیرد. و به نتایج مثبت آن کاملاً ایمان داشته باشد و همچنین در آرزوی پیشرفت و تغییر باشد و هرگونه احساس ترس یا مقاومت را از خود دور کند. هرگاه بتوانیم از این روش حتی به میزان کمی استفاده کنیم زمینه ی کشف و شهود و آگاهی بیشتر را برای خود و فراگیران فراهم کرده ایم. البته برای معلمی که سالهاست با روشهای سنتی خو گرفته فراگیری دوره های آموزشی، آزمایشی و تجربی ضروری است. ولی به تدریج باید دست به خطر زد و با اتکاء به نفس در صدد ابداع و واکنش نسبت به چالشهای موجود گام برداشت. هرگاه اصول اساسی این روش در وجود معلمان گرامی عجين گردد هر روزی از روزهای مدرسه می تواند روزی جدید و غیر قابل پیش بینی باشد.

بخش اول: اصول آموزش فراگیر محور

مقایسه ی دو روش در یک نگاه اجمالی

روش پیشرو	روش سنتی
۱- مطالب درسی یک دست و کامل است	۱- مطالب درسی مجزا است
۲- معلم راهنمای تجربه ی آموزشی است	۲- معلم فقط انتقال دهنده ی دانش است
۳- فراگیر، فعال است	۳- فراگیر نقش انفعالی دارد
۴- آموزش بر پایه ی کشف راهکارهاست	۴- آموزش بر حافظه و تمرین و عادت تکیه دارد
۵- معیارها قراردادی برای تدریس نیست	۵- معیارهای سنجش قراردادی است
۶- امتحان برگزار نمی شود	۶- انگیزش بیرونی است
۷- بر تشریک مساعی تأکید می شود	۷- امتحان به طور منظم برگزار می شود
۸- خلاقیت زیاد می شود	۸- رقابت بین افراد وجود دارد و آموزش محدود به کلاس است
۹- ادراک و عمل هر دو فعال است	۹- تأکیدی بر ابراز خلاقیت نمی باشد
۱۰- یافتن پاسخ به خودی خود هیجان انگیز است. پاداش بیرونی نمی خواهد چون انگیزش درونی است	۱۰- فقط جنبه ی ادراکی دارد نه عملی به فرایند کار توجهی نمی شود

ابتدا به روش معلم محور می پردازیم و ویژگیهای آن را یکبار دیگر تداعی می کنیم. بسیاری معتقدند این روش سنتی بسیار بی ضرر طبیعی و راحت و مناسب به نظر می رسد چون تسلط و اقتدار معلم حاصل تسلط او بر موضوع درسی است و نحوه ی بیان و تسلط او بیانگر شخصیت و هویت اوست. هنگامی که برنامه ی درسی مملو از مطالب

حفظ کردنی باشد به راحتی می توان فهمید که معلمان از این که در نقش کارشناس، اطلاعات را به دیگران منتقل می کنند، احساس راحتی می نمایند و حتی اگر درس را به خوبی ارایه ندهند از این که مقداری از درس را به بعد موکول کرده اند نیز راضی هستند.

اصولاً روشی که روند آموزش را از بالا به پایین تحمیل می کند با رشد و بالندگی فرد تناقض دارد. نظامی که در کلاس حاکم است اگر از خارج تحمیل شده باشد با فعالیت آزاد مغایرت دارد دست یابی به مهارت های زنده با روش هایی که فقط هدف نگه داشتن مطالب در حافظه دانش آموز است، مغایرت دارد. مطالب ایستا و غیر پویا برای آشنایی با جهان متغیر و پویای اطراف ما تعارض عمیقی دارد و لذا می بینیم که دانش آموز ما بعد از فراغت از دبیرستان هیچ گونه مهارت علمی و عملی کارآمدی ندارد.

در روش فراگیر محور آزادی بی قید و شرط نیست بلکه باید قوانینی بر کلاس حاکم باشد که معمولاً آن را با نظر خود فراگیران می توان تدوین نمود. البته باید یک جلسه را بطور فراگیر اداره نمود و جلسه ی بعد فراگیران در آغاز نظر خود را بدهند و ما از بین نظریات قوانینی را استخراج کنیم و اعلام کنیم که ما به تنبیه اعتقادی نداریم و با بحث و گفتگو به نتیجه می رسیم. انضباطی مهم است که از طرف فراگیران تعیین شود و پیوسته مورد حمایت گروه باشد پس با صبر و شکیبایی معلم، قوانین از بچه ها پرسیده شود، نوشته شود، دسته بندی شده، متعادل گردد و گروه مسئولیت آن را به عهده بگیرد. نکته ی دیگر قاطع بودن معلم است که باید عادت کنیم زود قضاوت نکنیم و پرخاشگری و خشونت نداشته باشیم و اگر با فراگیر سخت و لجوجی مواجه شدیم باید توسط اولیا یا اعضای مشاوره و با قاطعیت برخورد شود. معلم حین شنیدن نظر مقابل باید نظر خود را قاطعانه هر دفعه ابراز کند. چون با نظرش مخالفت نمی کنید و صرفاً عقیده ی مخالف را معتبر شمارید و دوباره نظر خود را می گوئید و این گوش دادن به سخن فراگیر در او احساس بهتری می انگیزد و حس احترام به او تقویت می شود، از این که عقیده اش را بدون دیدن مخالفت ابراز می کند اعتماد به نفس او نیز تقویت می شود. باید سعی کرد در کلاس بازیهای مختلفی را اجرا کرد تا

تمرکز و مهارت گروهی افزایش و تنشها کاهش و میزان عزت نفس و موفقیت و فرصت مشارکت افزایش یابد، موانع بین معلم و فراگیر بر طرف شود میزان بی پرده سخن گفتن افراد و خلاقیت در جلسات بعد به مرور افزایش یابد.

اهمیت فراوان فراهم کردن بحث آزاد در کلاس

گاهی باید در کلاس بحث آزاد فراهم نمود. معلم سوالاتی مطرح کند و پاسخ آن را فراگیران بدهند و او فقط صحیح و غلط بودن آن را تعیین کند. معلم نباید تلاش کند مطلبی را ثابت کند بلکه فراگیران با تشویق نه اجبار به کار گرفته شوند و بدون مراجعه به معلم گفتگو کنند. معلم دخالت نکند و توضیح ندهد. پایان بحث نیز به اختیار فراگیران باشد.

ویژگی های معلم فراگیر محور

- ۱- راهکارهای غیر رسمی تدریس را به خوبی بداند
- ۲- به کار خود بسیار علاقمند باشد
- ۳- آمادگی فراوانی داشته باشد تا بتواند کارها را از پیش برنامه ریزی کند
- ۴- مقدار زیادی از وقت خود را صرف کارهای تدارکاتی نماید
- ۵- بتواند به شکلهای گوناگون بیندیشد
- ۶- بتواند مطالب مورد نیاز فراگیران را بیابد
- ۷- حضور ذهن مهارت و تمایل به خطر کردن جهت تسهیل ارتباط بین افراد داشته باشد
- ۸- با توجه مثبت و غیر مشروط و جامع بدون پنهان کاری و بدون در نظر گرفتن ارزشیابی بگذارد تا فراگیران عزت نفس همکاری و بالندگی را تجربه کنند.
- ۹- معلم منابع لازم را فراهم می سازد تا فراگیر در صورت لزوم از آن استفاده کند یا گاهی پیشنهاد جدیدی بدهد.

۱۰- معلم احساس ارزشمندتر بودن پیدا می کند وقتی خواهد دید که او را به خاطر مهارت‌هایش به عنوان یک شخص مرجع و راهنما نگاه می کنند نه فقط انتقال دهنده ی دانش ها.

۱۱- معلم اگر نتواند منبع دانش باشد و اطلاعات لازم را به فراگیر برساند مورد استهزای فراگیر خواهد بود و جایگاه او سست و ضعیف می شود.

ویژگیهای روش پیشرو

۱- در این روش تحسین یا انتقاد معلم جایگاهی ندارد. تنبیه و پاداش علاقه ی اجباری ایجاد می کند. رفتاری که در جستجوی تأیید دیگران باشد مانع از مشارکت می گردد.

۲- توجه واقعی است و تحت فشار پاداش و تنبیه نیست (توجه را می توان به زور برانگیخت ولی علاقه را نمی توان)

۳- پر قدرت ترین و هیجان انگیز ترین پاداش آن است که جنبه ی درونی داشته باشد.

۴- ایجاد گفتگو بین کارآموده ها و مبتدیان می باشد که همین گفتگوها دانش ها را درونی می سازد.

۵- گفتگوها و مکالمات فراگیران دارای ادب و نزاکت می شود .

۶- عبارت افراد باید بیاموزند، باید اندیشیدن را فراگیرند، تبدیل می شود به این که هرگاه افراد متوجه شوند یک موضوع آموزشی فهمیدنی است تصمیم می گیرند آنرا فراگیرند و اندیشیدن را به طور کامل و بدون کمک و اجبار دیگران فرا می گیرند.

۷- اگر معلم به این روش به شکل مناسبی ننگرد نه تنها زیان بارتر از قبل خواهد بود بلکه ایجاد این فضا معلم بی تجربه را سست تر و موجبات اتلاف وقت خود و دیگران را فراهم می کند.

۸- اگر معلم در روش فراگیر دائماً در حال یادگیری باشد از لحاظ هوشی، عاطفی و روانی هیجان و علاقه ی بیشتری به شغل خود نشان خواهد داد.

۹- معلمی که شاگردان را با اسم کوچک حفظ می کند اولین تأثیر را بر فراگیران خود ایجاد می کند

۱۰- واقعاً به سخنان فراگیران توجه کند

بخش دوم: مهارت‌های کار گروهی

الف - مهارت یادگیری عاطفی

در مدارس گاهی بخاطر اتفاقی روحیه ی بچه ها بد و کلاس دارای تنش و اضطراب است به جای بی تفاوتی و ادامه ی کار باید مدتی را صرف بحث درباره ی موضوع کرد. ولی نه از بچه ها و نه از مدیر هیچ جانب داری نشود بی طرف باشیم و فقط گوش دهیم. هیچگاه نیازهای عاطفی بچه ها را سرکوب نکنیم. نباید هیچگاه بگوییم این مسائل در تخصص ما نیست به ما ربطی ندارد. زمانی که صرف آموزش عاطفی می کنیم حائز اهمیت است و حتی باید دوره های آموزش مهارت برقراری ارتباط بادیگران را برای همکاران گذاشت روابط عاطفی که در موضوع درس دخیل است یکی محتوای خود دروس که باید رابطه ی عاطفی و زیبایی شناسی بین موضوع کتاب و محیط او طبیعت برقرار کرد و دیگری نگرش بچه ها به درس (تنفر-خوشامد) که باید نظر آنها را درباره ی این دو نکته جویا شد. جهت آموزش این مهارت تمرینی در بخش سوم آمده است.

ب) مهارت گفتن حقیقت

هرگز به خودمان دروغ نگوییم بذله گو بودن معلم یا در تمام طول کلاس با بیانی خشک و رسمی صحبت کردن کاملاً تصنعی و غیر واقعی است. باید به قدر کافی اعتماد به نفس داشته باشیم و در کلاس درس خودمان باشیم و به چیزی که نیستیم

تظاهر نکنیم با فراگیر مانند همکلاسی خود برخورد کنیم. شفاف یکرنگ و صادق باشیم. و حقیقت گویی را در تمامی لحظات رعایت کنیم.

نظر فراگیر را بخواهیم تصمیم گیری را به عهده ی خود فراگیر بگذاریم هرگاه فراگیر نظر می دهد حتماً به پاسخ او توجه کنیم. اگر آمادگی شنیدن نظرات بچه ها را نداریم نباید سوالی مطرح کنیم سپس پاسخهایی که پذیرفته ایم را عمل کنیم به عقاید آنها ارزش بگذاریم.

پ) ارزیابی اشتباهات

اشتباهات حکم سخن کفر آمیز ندارد آن را محکوم نکنیم یا مورد استهزا قرار ندهیم. فقط در امتحان به دنبال جواب صحیح باشیم ولی در کلاس و تدریس صحیح و غلط را کنار بگذاریم هدف به کارگیری فکر و ایجاد محاسن بسیار دیگری است تا تصحیح اشتباهات دانش آموزان. اگر بخواهیم اعتماد فراگیر را جلب کنیم باید پذیرش و محبت و احترام مارا بدون قید و شرط، احساس کند. یعنی بداند که یک شخص همیشه خوب است ولی گاهی رفتار او خوب نیست در حالی که می داند خودش مورد پذیرش است سعی می کند رفتار خود را تغییر دهد و احساس مثبت و متقابل میان معلم و شاگرد ایجاد می شود.

راهبردهای مدیریت کلاس

جهت اجرایی شدن روش مشارکتی در کلاس پنج راهبرد را باید مدّ نظر قرار داد.

راهبرد اول: دایره وار نشستن و فواید آن

۱- تماس چشمی برقرار می شود. ۲- همه در موقعیت یکسان هستند. ۳- گوش دادن به سخنان معلم آسانتر است. ۴- مانعی بین معلم و شاگرد نیست همه خود را یک گروه حس می کنند. ۵- راحت تر با هم صحبت می کنند. ۶- معلم هم به یک عضو گروه تبدیل می شود. ۷- محیط امنی برای صحبت کردن و ابراز عقاید به وجود می آید. ۸- بدون ترس از مورد تمسخر قرار گرفتن نظر می دهند. ۹- چون هر

حرکتی باعث جلب توجه دیگران می شود رفتار نامطلوب مثل خوردن، خوابیدن، به رویا رفتن، درس ساعت بعد را خواندن، خط خطی کردن و ... از بین می رود ۱۰- فراگیر به طور خود انگیخته صحبت می کند. البته در این روش دو مشکل نیز وجود دارد اول این که فراگیران از این که در معرض دید دیگران هستند ابتدای کار خجالت می کشند دیگر این که گاهی احساس دلتنگی و تنش و هیجان و یا میل به شلوغی پیدامی کنند.

راهبرد دوم: نوبت

مدت زمانی که افراد فرصت دارند در خصوص موضوعی چیزی بگویند هیچ کس نباید درباره ی نظر ابراز شده توضیحی بدهد حتی معلم. اگر کسی نظری نداشت می تواند بگوید نظری ندارم. هدف از نوبتی کردن دادن فرصت به فراگیران است ولی چون اجباری نیست و آزادی بیشتری ایجاد می شود اظهار نظر ها بیشتر می شود.

اگر تعداد افرادی که چیزی برای گفتن ندارند زیاد شد لازم است بگوییم افراد گروه موضوع را با هم مورد بحث قرار دهند. اگر ترس از ابراز نظر از بین برود تعداد افرادی که چیزی برای گفتن ندارند کم می شود. بهتر است ابتدا نظریه های مخالف و سپس نظرات موافق گفته شود تا نسبت به درس نگرش مثبت تری پدید آید. آزادی جهت شرکت نکردن در این فعالیت بسیار اهمیت دارد و سبب ایجاد اعتماد در فراگیران می گردد. موضوع دیگر این که نباید سخن دیگران را قطع کرد و هیچ کس از جمله معلم نباید در خصوص سخنان دیگران توضیح دهد چه مثبت چه منفی فقط با دقت شنیده شود.

راهبرد سوم: مهارت گوش دادن

این مهارت به مثابه روغنی است که یک دستگاه پیچیده با آن بدون سرو صدا کار می کند. پس بالاترین اولویت گروههای فعال است. ما معمولاً گوش نکردن را بیشتر از گوش کردن می دانیم. معلم باید در برابر اظهار نظر ها بی تفاوت باشد تا دیگران عقاید خود را ابراز کنند. لذا همه ی فعالیتها برعهده ی معلم نمی باشد و حالت پر خاشگری

یا درون گرایی فراگیران بخاطر جو صمیمی برپایه ی همکاری از بین می رود. گوش دادن و تمرین این مهارت اهمیت حیاتی برای کلاس دارد. رعایت موارد زیر مهارت گوش دادن را در ما افزایش می دهد.

۱- آرام و ساکت بودن

۲- نگاه کردن به شخص گوینده

۳- خودداری از انجام هر کاری به جز گوش دادن

۴- واکنش مناسب نسبت به سخنان او، لبخند، سرتکان دادن به طور خودجوش نه مصنوعی، تماسهای چشمی

۵- اندیشیدن درباره ی معنا و مفهوم مطلب او

۶- خودداری از هر گونه سوال

۷- خودداری از اظهار نظر و قضاوت

۸- پاسخهای کوتاه درباره ی نکات کلیدی سخنان گوینده مثل بله می فهمم منظورتان چیست...

برای این که ببینیم آیا شنونده خوبی هستیم یا نه به تمرین شماره ۲ در بخش سوم رجوع شود.

راهبرد چهارم: ذهن انگیزی

یعنی ابتدا موضوعی را مطرح کنیم و سپس نظریه فراگیران را بپرسیم.

این راهبرد چهار هدف دارد:

۱- ایجاد سریع تعداد زیادی فکر بکر

۲- ایجاد خلاقیت و تفکر برای مراحل بعد

۳- مشارکت تمامی افراد گروه در این کار

۴- نشان دادن این که کار افراد به صورت گروهی بازده بهتری دارد

درباره ی هر موضوع نظریات را پیرسیم بدون اولویت و بدون اسم یادداشت کنیم هیچ اظهار نظری نشود و فقط ارائه شود. الزام نیست دست بلند کنند فقط ابراز کنند. نظریات ارزش گذاری نشود اگر کسی اظهار نظر نکرد صبر کنید و مایوس نشوید چون می فهمد که در این سکوت شما مسئولیت را به او وا گذاشته اید. اگر نظریه ارائه نشد باز خواست نکنید در سکوت کلاس از ذهن انگیزی به مثابه یک عامل فعال کننده استفاده کنید. هیچ گاه از سخنان طعنه آمیز و تحقیر کننده استفاده نکنیم زیرا سخن تمسخر آلود بزرگترین عامل از میان بردارنده ی اعتماد می باشد مگر در فضایی که به شوخی های کنایه دار شما عادت کرده باشند. بعد نظریه ها را به چند دسته تقسیم کنیم به ترتیب اهمیت طبقه بندی نماییم و تصمیم و انتخاب با گروه باشد. اگر هر آنچه می گویند یادداشت نمایید به زودی از جوابهای بچه گانه و حتی گستاخانه خودداری می کنند. هدف از ذهن انگیزی خودشناسی است که بطور ظریف و موثر انجام می شود چون هیچ کس ارزیابی نمی شود و حتی معلوم نمی شود کدام اظهار نظر از چه کسی بوده است احساس نگرش مثبتی ایجاد می شود مبنی بر این که تو ارزشمند هستی، با دیگران برابری و به سخنان تو گوش داده می شود.

راهبرد پنجم: بازی انتظار کشیدن

ساکت کردن کلاس با فریاد معلم خود باعث سرو صدا و ایجاد تنش می گردد و بیهوده ترین و انرژی سوزترین کار معلم است. و به زبان بی زبانی می گوید من مسئول ساکت کردن شما هستم و شما نمی توانید این کار را خودتان انجام دهید و به این ترتیب نوعی درگیری ایجاد می شود که می تواند مثل جنگ تلقی گردد و وضعیت برد و باخت ایجاد می شود. برای ایجاد آرامش شما باید بازی انتظار را انجام دهید. یعنی این که ساکت بنشینید بدون اخم و صبور به حال خود افسوس نخورید یا ناشکیبایی نکنید. چند نفس عمیق بکشید واقعاً و از ته دل صبور باشید نه تصنعی و در ذهن شما این باشد که هدف شما این است که آنان را تشویق کنید تا مسئولیت

رفتار خود را بر عهده بگیرند. اگر فراگیر ببینید ما منتظر سکوت هستیم آرامش ما به آنان سرایت می کند و به اندازه ی ما احساس مسئولیت می کنند البته گاهی چون سرگرم کار دیگری هستند باید به نوعی توجه آنان را جلب کنیم. با اجرای راهبردهای پنج گانه می توانیم به مرور بستری مناسب برای پراکندن بذر علم و دانش در ذهن و اندیشه فراگیران فراهم سازیم.

در جایی که فیلسوفی چون دکارت با این پرسش که: «چگونه می توان از صحت همه چیز اطمینان داشت در حالی که علوم جدید حقایق قدیمی را باطل می کنند» و وقتی که باهوشترین افراد تلاش کرده اند دریچه ی ادراکات ما را گشوده و استعدادهای بالقوه ی ما را با کنار گذاشتن موضوع صحیح و غلط گسترش دهند، نباید معلمان، خرد و دانش را در انحصار خود بدانند. سقراط می گفت: من فقط سوال می کنم نه این که تدریس کنم تا مخاطب من در کسب دانش با من سهیم گردد و بدین ترتیب من همیشه در حالتی هستم که عقیده ی مخاطب خود را جویا می شویم نه این که چیزی به او بگویم یا توضیح بدهم و ذهن او را با اندیشه ی تلقینی خود بسته نگه دارم.

اهمیت فراوان جلب اعتماد فراگیران و ایجاد روابط گرم و صمیمانه با آنان

نکته آخر این که اگر اعتماد فراگیر را جلب کنیم و با او گرم و صمیمانه صحبت کنیم فضایی حاکی از پذیرش و همکاری به وجود می آید عطوفتی که معلم با رفتار محبت آمیز به دانش آموز داشته باشد بدون خطر از دست رفتن کنترل کلاس، جو اعتماد را حاکم می کند و فراگیر با آرامش به ابراز نظر و سوال و جواب می پردازد. برخی به راحتی دست روی شانه ی دانش آموز می گذارند و اجازه می دهند دانش آموز دست بر شانه ی معلم بگذارد در حالی که گروهی این کار را تجاوز به حریم خصوصی خود می دانند بعضی ممکن است سوء تعبیر کنند یا نگرش غیررسمی را سبب شود و احترام از بین رود و نظم و انضباط تضعیف شود. باز تأکید این نکته که هدف این است که افراد در کلاس احساس راحتی نمایند و سد موجود بین معلم و شاگرد شکسته شود اگر او ما را لمس کند نشان داده ایم که او را به مثابه یک فرد پذیرفته ایم و اگر

او را منع کنیم پیام این است که تو و من می بایست از هم دور باشیم و فاصله ی خود را حفظ کنیم. اگر این مانع برطرف شود، افراد تشویق می شوند با تمام توان ذهنی و استعداد خود کار کنند.

خلاصه ی بحث این که ضمن تدریس فعال مهارت‌های زیر در فراگیران تقویت می شود:

۱- گوش دادن ۲- یادداشت برداری ۳- درک مطلب ۴- خلاصه نویسی ۵- طرح سوال ۶- تفکر و تعمق ۷- سازماندهی و طبقه بندی ۸- بحث کردن و سخنرانی

گردهم نشستن به جای پشت سرهم بودن، بی پرده و صادقانه صحبت کردن، مودبانه صحبت کردن، نگرش مثبت و غیر مشروط داشتن، تصمیم گیری گروهی و اختیاری بودن مشارکت، هرگاه این شرایط فراهم شود هر فعالیتی در کلاس می تواند بستری شود برای این که فراگیر جایگاه واقعی خود را به مثابه کانون و محور تجربه یادگیری در کلاس درس پیدا کند.

بخش سوم: تمرین ها

تمرین اول: مهارت یادگیری عاطفی

درباره ی تولد- ازدواج - مرگ عزیزان- لحظات هماهنگی با طبیعت لحظه ای که همراه دیگران لذت برده اید. تجربیات کلاسی را غنی تر کنیم. در احساسات فراگیران سهیم شویم واز آنان بخواهیم از خاطرات خود برای ما بگویند.

تمرین دوم: مهارت گوش دادن

موقع صحبت کردن دیگران کدامیک از این کارها را انجام می دهیم؟

۱- سخن او را قطع کردیم. ۲- سر رشته ی مطلب را بدست گرفتیم. ۳- ضمن صحبت چراغها را خاموش کردیم. ۴- موضوع را عوض کردیم. ۵- پاسخهای نامربوط دادیم. ۶- صبر نکردیم تا سخن او تمام شود.

اگر به سه مورد از موارد فوق عمل کرده ایم بدانیم شنونده ی موفقی نبوده ایم!

منبع

هنر تدریس به روش فراگیر محوری، دونا براندز و پال گینیس، ترجمه سعید کتابی و محمد کاوش نیا، ویراستار: مرتضی ثابت قدم، اصفهان: انتشارات فرهنگ مردم، ، ۱۳۸۵، چاپ اول.

مأخذ

<http://adab-ajabshir.blogfa.com/post/6>